



۲۰۱۷/۰۷/۳۱



مصطفی عمرزی

آشنای محبوب مردم

(به مناسبت دهمین سال درگذشت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه رح)

در قسم معمول نگارش تاریخ در افغانستان، منابعی که برای استفاده مستعمل اند، یافته ها، آورده ها و پرداخته های کسانی ست که در جریان های چپ و راست، کم تر بی طرف می مانند. بزرگان ما تا پایان ریاست جمهوری شهید محمد داوود، هرچند در محدودیت های ریاستی او، نوع کار در ده سال بسیار ستودنی آزادی های فکری اواخر سلطنت را از دست می دهند، اما در کلیت آشکارایی های تاریخی، قاعده کشورمحور و مردمگرا را در نفس آثار خویش، احترام می گذاشتند.



شرح تصویر:

اعلیحضرت محمد ظاهرشاه (رح) و مرحوم جنرال عبدالولی، حین اتحاف دعا در آرامگاه اعلیحضرت احمد شاه بابا در کندهار بزرگ.

سوا از آن چه در آثار تاریخی در موارد مختلف، وقایع و اشخاص آورده اند، من چند سال قبل، در تحریر یک تاریخ شفاهی (نشر کتاب یک قرن در تاریخ و افسانه) کوشیدم صد سال اخیر افغانستان را در برداشت های «مردمی» منعکس کنم. این که قلمم، چه گونه از انجام آن بدر شده است، بسیار نمی دانم، اما تجربه آن کار، شناخت از خصوصیات، روان شناسی و بینش توده هایی را در محتوای کار هایم جابجا کرد که در انعکاس خواسته ها، توجه به مردم و فراگیری درخور حال، کمابیش به یقین برسیم مردم ما به گذشته پیش از هفت ثور، احترام خاص دارند.

علیحضرت محمد ظاهرشاه، در محور افراد محبوب و مورد احترام مردم ما، به خاطره ای می ماند که اگر در آن چیزهایی که از دست داده ایم، امروزه به او ارج می گزایم، آن خصایص والای انسانی به تجلی می رسند که در مسند قدرت، در کشوری که تا پایان سلطنت، باورها به سریر شاه، اجزای غیر قابل تعریف پنداشته می شدند، علیحضرت مرحوم با عقلانیت بسیار، کشور و مردمی را رهنمون شد که باوجود دشواری های عوارض ارتجاع اول، سختگیری های خاندانی، رقابت درون خانواده و در افغانستانی که در احاطه جغرافیای جهان سوم، ناگزیر بود با ناداری های چشم گیر داخلی، تحول و تغییر بیاورد، می بینیم نقش شاه در عقلانیت متکی به عزت نفس و مهار احساسات، پایه های کشوری را محکم می سازد که پس از سلطنت او، هرچند مفاهیم مدنی از زمان حاکمیت های مرحوم شیر علی خان تا علیحضرت امان الله، گذشته خوب دارند، اما در چهارچوب نظم، ثبات، قانون مندی و فرصت هایی که در اراده آخرین شاه افغان برای آزادی های فکری تلاش می شد، دوره سلطنت محمد ظاهرشاه در افغانستان را بسیار ممتاز می کند.

قبول این که افغانستان ما در معضلات مختلف، از رقابت برای قدرت تا اراضی محاط به خشکه جغرافیای جهان سوم، فرهنگ ها و باور های تعریف نشده، عوارض ارتجاع داخلی، فشار سرخ و سیاه دو استعمار (انگلیس و شوروی در شمال و جنوب)، نضج فارسیم در ایران و معضلاتی که در پیامد تجزیه هند، جنگ سرد را در پی جنگ دوم جهانی آورد، توانست برپا بماند، اهمیت نقش نمادین و عقلانی افغانی را ثابت می کند که سایه او در قدرت، در وقایع از بسیاری حوادثی که می توانستند افغانستان را به سوی بی ثباتی بکشانند، چه قدر موثر بوده است.

علیحضرت محمد ظاهرشاه، در کشوری زعامت کرد که پس از دشواری های قرن نوزده و تحولات قرن بیست، در چهار راه مصایبی که برای ما برنامه ریزی کرده بودند، تا پایان سلطنت اش نگذاشت سرزمین تاریخی ما، دستخوش التهابی شود که با آغاز کودتای ۲۶ سرطان، مقدمه رویداد سیاه ۷ ثور شد و در میلان حاکمیت های افغانستان به چپ و راست، در حدود ۴۰ سال پس از آن تاریخ، یافت جایگاهی که ما را در معادلات و محاسبات بیرونی، آسیب نزند، در نیازمندی های کنونی بسیار دشوار شده است.

صفت «آگاه خموش»، مردی را معرفی می کند که اگر در نقد هار دشمنان شناخته شده این کشور، آن خودداری برای مهار احساس را در انفعال می شمارند، تا در اغتشاش مردمانی خوش باشند که در بازیگری های دو ارتجاع، شناخته شده تر از کسانی اند که اوصاف بد دارند. تاریخ نویسی نوع متمایل به چپ و راست که در جایی در بند اصول، همواره در نقش مفسری شناخته می شود که حرف دیگران بگوید و مورخ چپی، با مجموعه چند فرهنگ لغت و اصطلاحاتی که بسیاری از اعضای آنان تا اخیر در عدم فهم معانی کاپیتالیسم و امپریالیسم، حاکمیت رفقا را در خواری معرفی کردند که اصلاً مفهوم چپ در تحول اجتماعی چیست، در خوانش دو سوی این گرایش ها، دوباره ما را سر در گریبان می کند که عقلانیت نهفته در اراده علیحضرت مرحوم، خاصناً در ده سال آخر سلطنت او، اگر

در پس منظر مبارزات و نقش مردم ما در نبردهای ضد استعمار انگلیس، به جنبش مشروطیت رسید، در صیانت و تحفظ علایق و باورهای آگاهانه و حماسی مردم، کسانی را کمک کرده است که در شراکت کاری در محوریت شاه، در شمار بزرگانی چون شهید محمد موسی شفیق و دست اندرکاران ده سال اخیر سلطنت، افغانستان را به خوبی اداره می کردند.

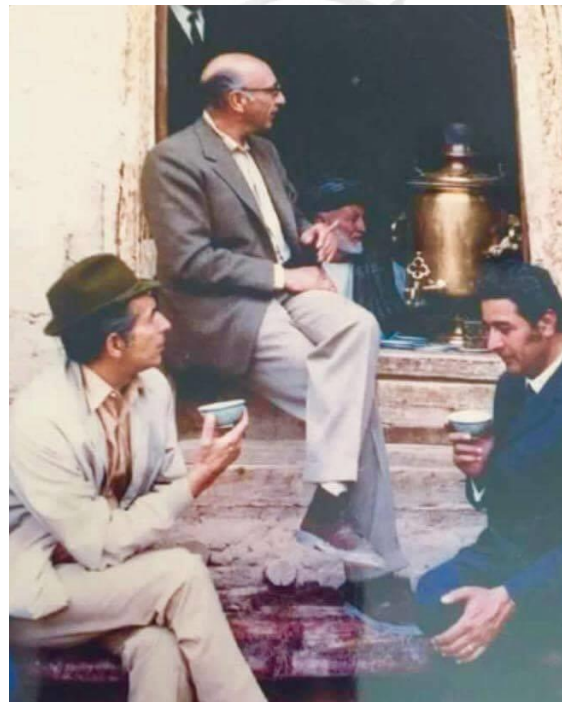
بزرگان زیادی از فرهنگیان، نویسندگان، شاعران و اهل سیاست ما، همه ساله به منظور احترام به شخصیت و جایگاه اعلیحضرت محمد ظاهرشاه (رح)، می نویسند. تداوم خوش این سنت، آهسته آهسته به فرهنگی مبدل می شود تا اجتماعات پُر شور جوانان ما با تداعی تاریخی که به هر صورت کسی منکر دشورای هایش نیست، در ارتباط فکری، در منطق این وصل، در شرایطی که نیازها به قانون مندی، مردم سالاری و تبارز مدنی بیشتر می شوند، با افاده آن چه در گذشته های خوش داشتند، خودشان را از هرج و مرج، هذیان و پلشتی هایی دور کنند که می بینند حتی در گستردگی جامعه جهانی، اگر موقف آنان بر اساس پشتوانه مقولات سالم و بی آرایش تاریخی نباشد، سقوط آنان در شهر آشوب تنظیم سالاری، تقدس خائنان، جانپان و گروه هایی که از هفت ثور تا هشت ثور، و در زمینه تصنعی کنونی، بیشتر از بیگانه حرف می زنند، نه فقط سرنوشت افغانستان را در گرو دیگران قرار می دهد، بل نقش آنان در روزگاری که از ملزومه ها و ابزار زیادی برای جهان بینی مستفید می شوند، در حد مجموعه غیر مستقلی قرار می گیرند که می بینند اگر قامت شان بر اساس منطق تاریخی، قایم نشود، موضع آنان در چپ و راست عناصر بحرانی، هرچند با ظرفیت باشند و در سعی برای کسب دانش به مقام برسند، اما در حد متشخصی سقوط می کنند که با مهر «طرف»، خودش را معذور کرده است.

احترام به شخصیت اعلیحضرت محمد ظاهرشاه، نباید در حد قلم پردازی هایی بماند که اگر نقد می کنند، بی طرف نمی مانند و اگر مایل به توصیف اند، این مورد را در حد برداشت های عاطفی، به گونه ای در کلیشه می مانند که سالیاد آن، تکرار همان گذشته می شود.

چهل سال سلطنت، برای مردی که از عنفوان جوانی شروع کرد و تا آخر، تسلیم هیچ بی خردی نشد، در سرزمین زخم خورده از استعمار، عوارض ارتجاع، فرهنگ ها و سنت های حاکم و تعریف نشده، سرمایه هایی که همیشه کم بودند، در تنازع سیاسی قدرت، رقابت های خانوادگی، جنگ سرد و مسؤولیت های خطیر شاهی که «پول زیاد نداشت»، اما از خیر عقلانیت او، مسیر انکشاف و عمران، تغییرات اجتماعی و مقام آزادی های فکری، افغانستان ایرا معرفی می کند که مردم ما در سلطنت خوش اعلیحضرت محمد ظاهر شاه (رح)، آرام بودند و در آسمان نیلی سرزمین شان، آینده خوش در منظری ترسیم می شد که چهل سال پس از سقوط سلطنت، حالا در هرج و مرج ناامیدی می دانیم، چرا شاه مرحوم ناگزیر بود شتاب را مهار کند و در فشار سنگین واقعیت ها در نگهداشت توازن در حذر از تصادم ابر قدرت ها، در حدی که منطقی بود، دین خویش را در مقام نه زعیمی که در روزگار او در مثال های زیاد، تاج می گذاشتند و قاعده حکومت، فرضیت نگهداری قدرت برای بقایا بود، ادا کند، بل هرچه از دست شان آمد برای رفع انحصارات کرد و در اخلاص تمام به ناداری هایی که کم نبودند، مانند تمام مردم، در حد یک شخص متوسط، زندگی می کند، ولی رابطه اش در اجتماعات مردم، خاطره خوشی از مردی ست که چهل سال پس از او، هرچه از نقش بنیادین دانش، اقتصاد، سیاست، اداره، انکشاف و عمران بگوئیم، بیشتر به دوران او بر می گردد.

حفظ صیانت افغانستان در معادلات بین المللی، افغانستان را تا آخرین روز های سلطنت محمد ظاهرشاه (رح)، در حدی نگه داشت که در کنار برخورد معقول بادشواری های داخلی، شرق و غرب را برای احیای مملکت در توازن نگه دارد که هرچند نقش سرمایه گذاری های شوروی در اول و غرب در مقام دوم، اما این نزدیکی، نه مصیبتی شد که پس از هفت ثور، در سرزمینی رقابت کنند که روزی از برکت فرزندان صدیق و آگاه اش، جبهات متخاصمان جنگی را تمویل نمی کردند؛ بل کار می کردند و کمک می کردند تا یادگارهای آن دوران در سایه سر یک فرزند صدیق افغانستان، انسان واقعی و بی آرایش این کشور، ما را خوش، اما متأثر کند که وقتی در مسیر آن روزگار تداعی می کنیم، دار و ندار بزرگ و مهم مملکت، همان هایی که هنوز در برپایی رونق اقتصادی و انکشافی افغانستان، از ادارات تا تأسیسات، آن هایی که ماندند و ویران نشدند، نشان دهند پس از سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهرشاه، هیچ کار مهم، بنیادی و منطقی ای صورت نگرفته است که در حفظ جایگاه یک کشور بی طرف، ما را از شر خارجیانی که ظاهراً کمک کرده اند، راحت کند.

نقش اعلیحضرت محمد ظاهرشاه در قبل و بعد از خودش، تبلوری از منطق، خرد و عقلانیتی ست که نشان می دهد مرد محبوب، خدا شناس، مردم دوست و آزاده، در حالی که اداره یک مملکت و یک ملت را در اختیار داشت، خودش را بیشتر از یک افغان معمولی، حساب نکرده است.



عکس از گالری تصاویر کتاب "شاه و مردم" ص ۵۹۱ تألیف ولی احمد نوری

عکس بالا که اعلیحضرت پادشاه افغانستان در سمارِ محقری از ملتش را نشان میدهد بر ادعا و مرقومه های این قلم مهر تصدیق و تأیید میگذارد

در واقع حضور او در میان مردم، احترام به مردم و درک معضلات گسترده که ریشه در تمام رشته های تاریخی، اجتماعی و سیاسی داشتند، اعلیحضرت محمد ظاهرشاه را به مکتبی در ایده های آرمانی افغانستان مبدل می کند که در خلوص نیت، در سادگی و تمایل به مردم، توانست کشوری را اداره کند که در چهل سال زعامت پُر پیچ و خم،

جوانی را به پختگی می‌رساند که از آغاز سلطنتش برای پایین کشیدن بی‌گناهای از دار اعدام که به جرم توطئه ترور پدر، قرار بود قربانی شوند، تا خلع خانواده از انحصار قدرت که منجر به یکی از بازترین مدخل‌ها برای شریک کردن مردم در قدرت بود، اعلیحضرت محمد ظاهرشاه رحمه الله علیه را به آشنای محبوبی مبدل می‌کنند که افغانان گزند رسیده از روزگار، با تداعی یاد او، به آرامش‌هایی برسند که از احترام به بزرگان واقعی ما، خدا کند در این فرهنگ، گرایش مردم در عقلائیّت، به احترازی برسد که چهل سال پس از سلطنت، با غمازی در سیاست، با خیانت به مردم با کودتا به نام انقلاب، در سرخوردگی‌هایی که پس از یک عمر در خوان بیگانه، حالا باید در آستانه هرکسی به دعا بنشیند، خود را باز یابیم.

اعلیحضرت محمد ظاهرشاه (رح)، در ردیف هم‌کسوتان شان در دنیا، یگانه شاهی بود که تا پایان عمر، تاجگذاری نکرد. مردی بی‌آلایش که در کوچه‌ها و جاده‌های کابل تا روستاها و سرزمین‌های دور، در میان مردم می‌نشست، صحبت می‌کرد و احترام می‌گذاشت.

عکس پایان را ببینید که اعلیحضرت ظاهر شاه در شمال افغانستان در قله‌های پامیر با هموطنش بر خاک و سنگ نشسته و زیبایی میهنش را از بلندی‌های پامیر که بام دنیایش خوانده‌اند با تعجب ولی با عشق نظاره می‌کند.



عکس از گالری تصاویر کتاب "شاه و مردم" ص ۵۹۲ تألیف ولی احمد نوری

در این سنت، آشنای محبوبی ست که اگر ملتی را در دشواری‌های محاط به ناداری، جهان‌سوم، ارتجاع و احساسات، با هرچه خوب بود - آشنا کرد، از نگرشی بود که میدانست در کجاست و در میان چه باور‌هایی زندگی می‌کند. روان‌اش شاد و یادش گرمی باد!

یادآوری: از طریق لینک‌های زیر، مجموعه کاملی از تصاویر اعلیحضرت محمد ظاهرشاه (رح) را در جمع بیش از ده هزار (۱۰۰۰۰) تصویر مرتبط به افغانستان، از سایت «دانشنامه افغان»، رایگان دانلود کنید!

<http://www.afghanpedia.com/search/images.jsp>
<http://www.afghanpedia.com/projects/heritage/index.jsp>

از طریق لینک زیر، در بخش ویدیوهای سایت «دانشنامه افغان»، مجموعه‌ای از فیلم‌های مستند-پیرامون اعلیحضرت محمد ظاهرشاه (رح) را تماشا کنید!

<http://www.afghanpedia.com/search/videos.jsp>

از طریق لینک زیر، آهنگ زیبای «شایسته‌ترین پادشاهان» را که حاوی گفتاری از اعلیحضرت محمد ظاهرشاه «رح» و در وصف او ساخته شده است، را تماشا کنید! این آهنگ زیبا، بیش از ۹ دقیقه می‌شود.

<http://www.afghanpedia.com/projects/libraries/videos/getmovie.jsp?vd=۲۰۹>